

کتاب

۹۰ درصد تخفیف برای شنیدن بهترین کتاب با بهترین صدای قرن!

ماجرای کتاب خوانان و پیام‌های اپلیکیشن‌های کتاب خوان

زهرا بزرگ زاده
روانشناس کودک

فروشنده نامتخصص نمی‌دهد. از این رو به نظر می‌رسد تبلیغ کتاب باید مسیر مجزایی را نسبت به تبلیغ سایر محصولات پیش بگیرد. در این راستا به عنوان مخاطب این برنامه‌ها می‌توانم چند نصیحت دوستانه بگویم: ۱. تعداد پیام‌ها را کم کنید! کتاب خوان‌های حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای خودشان به سراغ برنامه می‌آیند و لازم نیست مدام به آنها یادآوری کنید. ۲. پیام‌ها را با ذائقه مخاطبان همراه کنید. برای مثال اگر مخاطبی علاقه مند به نشر یا حیطه خاصی است، تازه‌های همان نشر و حیطه را به او معرفی کنید یا اگر تا به حال مدام مشتاق صدای بازیگران به عنوان خواننده کتاب صوتی بوده، او را مورد هدف تبلیغات این کتاب‌ها قرار دهید، نه همه را. ۳. کمی برای کتاب‌هایی که خریده‌اید و نخوانده‌اید دل بسوزانید و هر از گاهی میان پیام‌های تبلیغاتی‌تان در مورد خرید یک کتاب دیگر مثل یک ناصح واقعی، به ما یادآوری کنید کتابی را که خریده‌ایم بخوانیم یا گوش کنیم. همین و تمام!

سوتیتر: پیش از این پیام‌های این برنامه‌ها یادآوری بود برای آنکه اگر جایی معطل نشسته‌ایم یا می‌توانیم هدفون در گوشمان بگذاریم، از وقتی که بایش برنامه‌ای نداشته‌ایم، برای کتاب خواندن استفاده کنیم. یا آن کتاب نصفه خوانده شده هنوز منتظر ماست، هر چند همگی کتاب خوانان می‌دانستند، کتاب خوانی ما مساوی است با رونق بازار کسب و کار این برنامه‌ها و پیام‌های در واقع خوش بینانه که دو هدف را دنبال می‌کنند: تبلیغات و ترویج فرهنگ کتاب خوانی.

تخفیف آخر هفته را از دست نده. آخر هفته شده، روزهای تعطیل را با کتاب بگذران! خفن‌ترین و بهترین و جذاب‌ترین سریال کتاب صوتی همین الان منتشر شد! هنوز هیچ کتابی نخوندی؟! ۹۵ درصد تخفیف برای تمدید اشتراک! اگر کتاب نخونی با دمپایی ابری...! کتاب بخون! این‌ها حرف‌های اغراق شده اپلیکیشن‌های کتاب خوان با ماست. پیام‌هایی که روزی حداقل یک بار سراغ صفحه گوشی ما می‌آید. داستان ما و اپلیکیشن‌های کتاب خوان، داستانی طولانی و پرفراز و نشیب است. گاهی عاشقشان می‌شویم و گاهی از آن‌ها بیزاریم، اما چند وقتی است که پیام‌های بی‌وقفه برخی از این برنامه‌ها احساسمان را نسبت به کتاب و کتاب خوانی دگرگون می‌کند. پیش از این پیام‌های این برنامه‌ها یادآوری بود برای آنکه اگر جایی معطل نشسته‌ایم یا می‌توانیم هدفون در گوشمان بگذاریم، از وقتی که بایش برنامه‌ای نداشته‌ایم، برای کتاب خواندن استفاده کنیم. یا آن کتاب نصفه خوانده شده هنوز منتظر ماست. هر چند همگی کتابخوانان می‌دانستند، کتاب خوانی ما مساوی است با رونق بازار کسب و کار این برنامه‌ها و پیام‌های در واقع خوش بینانه که دو هدف را دنبال می‌کنند: تبلیغات و ترویج فرهنگ کتاب خوانی.

بگویم برنامه‌های کتابخوان گاهی لحن و ادبیات درستی را هم برای تبلیغ استفاده نمی‌کنند و مخاطب از پیام‌های ظاهر شده روی صفحه گوشی - اش جا می‌خورد! نکته‌ای که تبلیغ کتاب و کتاب خوانی را از تبلیغ دیگر محصولات جدا می‌کند این است که ایجاد نیاز برای مخاطب کتاب باید کمی هوشمندانه‌تر باشد. مخاطب کتاب عمده‌تاً تصمیم خود را حداقل در مورد حیطه کلی مطالعه گرفته است. معمولاً می‌داند نسخه چاپی را بیشتر دوست دارد یا الکترونیک و معمولاً اگر کمی حرفه‌ای باشد دم به تله

معلم‌ها و نویسندگان

دوباره، یک یادداشت
دوبخشی!

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

Mohammadiyazdanyar@gmail.com

اول: ما اینجا در گروه کتاب آموزگار و معلم و دبیر چندتایی داریم، به طور کلی به نظر می‌رسد که ما تعدادی معلم بودیم و بعدها تصمیم گرفتیم که دستی به دنیای کتاب و مطالعه هم برسایم! در گروه ما «آموزگار» بودن به شکل غیرقابل باوری دغدغه است. از همان شماره‌های اول من با دوستانی مواجه بودم که تأکید می‌کردند تا روزه روی نامشان و برای عنوانشان به جای عبارت خبرنگار، روزنامه‌نگار، کارشناس و غیره از عبارت «آموزگار»، «معلم» و مانند آن استفاده کنم. اصلاً گاهی اوقات فکر می‌کنم هنوز وسط مدرسه‌ام از بس که دور و برم پر از معلم است! راستش را بخواهید، که حتماً هم راستش را می‌خواهید، اینکه اطرافت کسانی را داشته باشی که به «آموزگار» بودنشان افتخار کنند و آن را حتی با «دکتر...» عوض نکنند غرور آفرین است. مخصوصاً وقتی به شرایط این چندساله تعلیم و تربیت در ایران نگاه کنید دیگر باید صد چندان به وجود چنین افرادی افتخار نما بید!

دوم: اخیراً کتاب‌های خوبی ترجمه و منتشر شده‌اند که اینجا معرفیشان می‌کنم تا گوشه ذهن داشته باشید و از چندتایشان حتماً بیشتر خواهیم نوشت. سه‌گانه گولاگ اثر عظیم سولژنیتسین به شکل کامل توسط نشر مرکز منتشر شد، ترجمه جدیدی از تصویر دوریان گری توسط نشر مد به بازار آمده است، حریم ویلیام فاکنر بعد از مدت‌ها نایاب بودن دوباره در دسترس علاقه‌مندان است و نشر معین هم یک افسانه را از این نویسنده ترجمه کرده است، ترجمه جدیدی از اثر معروفش که پیش از این به نام گور به گور و با ترجمه مرحوم دریابندری منتشر شده بود به بازار آمده است. یونسبو هم با قلمرو، میهمان کتابفروشی هاست. اینها را فعلاً داشته باشید تا ببینیم که در آینده چه کار خواهیم کرد!



اینکه اطرافت کسانی را داشته باشی که به «آموزگار» بودنشان افتخار کنند، و آن را حتی با «دکتر...» عوض نکنند غرور آفرین است. مخصوصاً وقتی به شرایط این چندساله تعلیم و تربیت در ایران نگاه کنید دیگر باید صد چندان به وجود چنین افرادی افتخار نمایید

مجموعه کتابفروشی شهر

کتاب

کتاب برای

کتاب

کتاب

